

واکاوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر رخداد‌های نظامی (۴۰-۵۱۱.ق)^۱

ابراهیم اصلانی ملایری،* رضا محمدی**

چکیده

با توجه به جایگاه عظیم قرآن کریم در جامعه اسلامی، واکاوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام، با محوریت رخداد‌های نظامی، مسئله این پژوهش است. بنابراین این مقاله در نظر دارد تا روشن نماید قرآن کریم در امر جهاد، تا چه میزان و چگونه مورد استناد و استفاده مسلمانان بوده است؟ یافته‌های پژوهش حکایت از این امر دارد که رهبران جامعه اسلامی و فرماندهان نظامی و حتی مجاهدین در مقاطع گوناگون نبرد، مسلمانان را به آیات قرآن کریم تذکر و ارجاع می‌دادند. از جمله در مواردی چون: اطاعت از دستورات فرماندهان و امیران، لزوم حفظ وحدت و دوری از تفرقه، تحریض به جنگ و تحمل سختی‌های آن و در نهایت تقویت روحیه مقاومت و بردباری. با توجه به وقوع نبردهای فراوان جهادی، به ویژه در دوره خلفای راشدین این امر به فراوانی در منابع و متون تاریخی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مسلمانان صدر اسلام، اطاعت‌پذیری، صبر و استقامت، تحریض به نبرد.

^۱. مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی چگونگی استناد و استفاده خلفا از قرآن (۴۱-۵۱۱.ق)»، دفاع شده در دانشگاه اراک.

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک. (Aslani.Ebrahim@gmail.com)

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا. (rezamuhammadi90@gmail.com)

مقدمه

پس از هجرت پیامبر (ص) و برپایی نظام اسلامی در مدینه، پرداختن به اموری بنیادی در حوزه امور سیاسی - اجتماعی از اقدامات اولیه پیامبر(ص) بود. حفظ و حراست از نظام جدید با داشتن نیروی نظامی میسر می‌گردید؛ ازین رو پیامبر (ص) رویکرد ویژه‌ای نسبت به این امر مبذول فرموده‌اند. پس از رحلت پیامبر(ص)، این وظیفه بر عهده رهبران جامعه اسلامی قرار گرفت تا قدرت نظامی را سازماندهی کرده و از نظام نویناد دفاع کنند. این پژوهش در نظر دارد تا با روش روایی - تحلیلی (تدوین تاریخ و وصف و تطور و تحلیل مسائل تاریخی) به این سؤال پاسخ دهد که قرآن کریم، تا چه میزان و چگونه در امر جهاد مورد استناد مسلمانان بوده است؟

قرآن کریم اصول و ارکانی را برای دستیابی به پیروزی در جنگ ذکر فرموده است. اصولی چون: مشورت، ایمان، ایثار، اخلاص، تقوا، و دعا و توسل و اعتماد و توکل بر خداوند (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳). هرچند متون تاریخی، تمام آنچه را که در گذشته روی داده، بازگو نمی‌کند؛ اما می‌توان بر اساس همین منابع و ماخذ، پاره‌ای از راهبردهای قرآنی در مسائل نظامی مسلمانان صدر اسلام را بازسازی کرد. رخدادهای نظامی سه دهه اول پس از رحلت پیامبر (ص)، شامل شواهد بسیاری از استناد و بهره‌برداری از قرآن به هنگام جنگ و دفاع توسط رهبران و فرماندهان نظامی می‌باشد و این مقاله صرفاً رویکرد تاریخی به این استنادات دارد.

بهره‌مندی از آیات قرآن کریم در جنگ و دفاع

یکی از اجزای مهم جنگ، شیوه جنگیدن است که امروزه به آن تاکتیک یا رزم‌آرایی جنگ گفته می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). اعراب تا قبل از ظهور اسلام، روش خاص نظامی به جزء تعصب قبیله‌ای برای جنگیدن نداشتند؛ اما همسایگان شمالی آنان (ایران و روم) به لحاظ تعداد، تجهیزات، آموزش جنگی و تجربه در نبرد از آنان به مراتب نیرومندتر بودند (چوکسی، ۱۳۸۹: ۲۵). با ظهور اسلام، شیوه‌ی نبرد اعراب مسلمان در جنگ با مخالفان داخلی و دشمنان خارجی شکل نوینی به خود گرفت که این امر تا حد

۱. Tactic؛ در لغت به معنای شیوه، روش، طریقه، راه شگرد و در اصطلاح نظامی به معنایی: تاکتیک و رزم‌آرایی است (حق‌شناس، سامعی و انتخابی، ۱۳۸۱: ۱۷۰۲).

۱ | واکاوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر ... | ۲۳

زیادی ملهم از آیات قرآن کریم بود. از جمله موارد استفاده و استناد را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

۱. استناد به قرآن کریم در اطاعت‌پذیری سپاهیان

از جمله عوامل پیروزی غازیان و پیکارگران در تاریخ اسلام، لزوم اطاعت از فرامین فرماندهان در سطوح مختلف بوده است. ابوبکر (۱۳-۵۱۱ ه.ق) پس از ارتداد گروهی از نومسلمانان، خطاب به آنان نامه‌هایی نگاشت و آنان را به اطاعت از خود و پیروی از دین اسلام و تبعیت از خلیفه فراخواند (ابن کثیر، ۱۹۸۶: ۶/۳۱۵) و با آنان با تفکر «جهاد» برخورد نمود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱/۴۷۹). او در این باره می‌گوید: «از جهاد در راه خدا و نمایندگی که هر قومی از جهاد بماند ذلیل شود» (طبری، ۱۳۷۵: ۴/۱۳۳). ابوبکر با لحن ارباب‌آمیز، مخالفان را وادار به تسلیم و پیروی از دین حق (اسلام) و خلافت نمود. وی با اشاره به آیه ۶ سوره فاطر، مرتدان را اولیاء و حزب شیطان دانسته و آنان را از ارتداد و مخالفت با خلیفه بر حذر داشت (واقعی، ۱۴۱۰: ۷۱). به نظر می‌رسد که برخلاف نظر ابوبکر، جریان ارتداد، انگیزه‌های ویژه‌ی خود را داشته است (جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۵)؛ اما ابوبکر همه را از یک منظر دید و با گسیل سپاهی از مهاجر و انصار به سوی مرتدان، به آنان دستور داد که مردم را به اسلام دعوت کنند و از هیچکس جز اسلام نپذیرند زیرا خداوند از هیچکس جز اسلام نمی‌پذیرد (اشاره به آیه ۸۵ سوره آل عمران)^۱ و هرکس دریغ کرد با او بجنگند و در آتش بسوزانند و بکشند و زن و فرزندانشان را اسیر کنند (طبری، ۱۳۷۵: ۴/۱۳۷۹). احتمال دارد هدف ابوبکر از استناد به این آیات، در ابتدا حفظ وحدت جامعه اسلامی و در مرحله بعد، قرار دادن کل جزیره العرب در زیر فرماندهی خلافت بوده است. در نتیجه با پایان یافتن رخدادهای مربوط به مرتدین، ابوبکر می‌توانست نومسلمانان و مجاهدان را به جهاد در منطقه شامات دعوت کند و آنان را به جد

^۱ . به تعبیر فیلیپ حتی «مردم (اعراب) همگی جزء سپاهی بودند که خلیفه آن را فرمانروایی می‌کرد و فرماندهان به نیابت از او کار می‌کردند» (حتی، ۱۳۴۴: ۱/۲۲۲). نمونه ای از آن، مربوط به زمانی است که یزگرد (۶۵۲-۶۳۳ م) آخرین شاه ساسانی، از خاقان چین درخواست کمک کرد. زمانی که خاقان به فرستاده یزگرد گفت: «که اطاعتشان از امیرشان چگونه است؟ گفتم از همه کسان نسبت به سالار خود مطیع‌ترند» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/۲۰۰۴).

^۲ . ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
^۳ . ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

و جهد در نبرد، تشویق نماید (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۵۵). وی با استناد به آیه ۱۱ سوره صف، آنان را به جهاد، آن گونه که حق جهاد است، امر کرد (همان، ۷۰) و با گسیل فرماندهان خود به شامات، با استناد به آیه ۶۷ سوره یوسف، آنان را از راه‌های مختلف به آنجا گسیل نمود (ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶: ۳/۷). آیه ۶۷ سوره یوسف، به این اشاره دارد که هنگامی که فرزندان یعقوب عازم سفر شدند، پدرشان به آنان گفت: «ای فرزندان من همه باهم از یک دروازه وارد نشوید، بلکه از دروازه‌های گوناگون وارد شوید». اشاره به این آیه، جایگاه ابوبکر را به عنوان فرمانده کل سپاهیان نشان می‌دهد که همه می‌بایست همچون اطاعت فرزند از پدر، از او اطاعت کنند. عمر نیز مثل ابوبکر، اطاعت پذیری را لازمه سپاهیان مسلمان می‌دانست و با استناد به آیه ۴۹ سوره کهف، کسانی که اطاعت می‌کنند را از جانب خداوند بنا به اطاعتشان، به پاداش ترغیب می‌کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۵/۱۷۶۰).

نه تنها اطاعت از خلفا در مراحل نظامی واجب بود؛ بلکه اطاعت از فرماندهان آنان نیز، در حکم اطاعت از امر خلیفه شمرده می‌شد.^۴ در جریان فتح منطقه اهواز چنین تاکتیکی وجود داشت. ابوموسی به مناذر که از مناطق اهواز بود رفت و اهل آن را در حصار گرفت. مهاجر بن زیاد حارثی برادر ربیع بن زیاد بن دیان در سپاه مسلمانان بود و اراده کرد تا جان خود را در راه خدا فدا کند؛ در حالی که روزه‌دار بود و این امر را به احتمال قوی با استفاده از آیه ۲۰۷ سوره بقره و ۱۱۱ سوره توبه^۵ انجام داد. ابوموسی گفت: «تصمیم من بر آن است که هر روزه‌داری نخست باید افطار کند و گرنه به جنگ نخواهد رفت. مهاجر، جرعه‌یی آب نوشید و گفت: من عزم امیرم را برآورده ساختم و به خدا که آب را به خاطر عطش ننوشیدم. سپس سلاح بر گرفت و برفت و نبرد کرد تا

۱. ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

۲. ﴿وَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ﴾

۳. ﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا خَاضِرًا وَلَا يَظُنُّمْ رَبُّكَ أَخْلَاءًا﴾

۴. مثلاً زمانی که عمر (۲۳-۵۱۳ه.ق)، امام علی (ع) را به جای خود در مدینه منصوب کرد و خواست که به بیت المقدس برود، گفت: «حکمی که او فرماید و مصلحتی که او ببیند از آن عدول مجوید و فرمانبردار او باشید» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۱۶۳).

۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

اواکوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر ... | ۲۵

شهادت یافت» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۷). در نبرد «بویب» نیز مثنی ابن حارثه به یاران خود که روزه بودند، گفت: «شما روزه دارید و روزه مایه ضعف است، رای من این است که روزه بشکنید و از غذا بر جنگ دشمن نیرو گیرید» و آنان نیز از فرمانده خود اطاعت کردند (طبری، ۱۳۷۵: ۴ / ۱۶۰۹).

عثمان (۳۵-۲۳ ه.ق)، راه خود را ادامه راه شیخین معرفی کرد و از مردم نیز انتظار تبعیت داشت (حاجی بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ چراکه جایگاه خود را همچون جایگاه پیامبران می دانست و اطاعت از خود را لازم می شمرد. عثمان با جماعت مسلمین بودن و دوری از تفرقه و پراکندگی را عامل موفقیت در نبرد می دانست و مهم ترین علت هلاکت اقوام گذشته را اختلاف و تفرقه بین خودشان می شمرد و آنان را با استناد به آیه ۱۵۹ سوره انعام از تفرقه و پراکندگی بیم می داد و با اشاره به آیه ۸۹ سوره هود و با تأسی از شعیب پیامبر (ع)، مردم را از مخالفت با خود برحذر می داشت، چراکه به عاقبت قوم نوح (ع) و صالح (ع) و هود (ع) و لوط (ع) دچار می گردند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۶۸). وی با استناد به آیه ۵۹ سوره نساء، مردم را به اطاعت از خدا و پیامبر (ص) و اولی الامر (در اینجا منظور خلیفه است) فراخواند (ابن شبهه، ۱۳۶۸: ۳ / ۱۱۲۱). بنابراین عثمان با این دیدگاه بسیاری از فرماندهان را از خویشان خود انتخاب نمود (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۷۵)؛ چرا که امر خلیفه را امر خدا و اولی الامر قلمداد می نمود.

دوره خلافت امام علی (ع) (۴۰-۳۵ ه.ق) را باید دوره جنگ های داخلی دانست. به همین دلیل کار برای امام، به مراتب سخت تر از دوره های قبل بود و آن حضرت می - بایست، سپاهیان خود را برای جهاد با نیروهای که تا دیروز در کنار هم می جنگیدند، متقاعد سازد. از منظر امام از وظایف خلیفه نسبت به مردم این است که به بیعتی که با خلیفه بسته اند وفا کنند و از دستوراتش پیروی نمایند (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۷) که ناکثین

۱. ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِبَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾

۲. ﴿وَ يَا قَوْمِ لَأَبْجُرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُوطٍ مِّنْكُمْ بَبَعِيدٍ﴾

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾

(اصحاب جمل)، قاسطین (شامیان) و در رأس آنان معاویه و مارقین (خوارج)، هر کدام به نحوی در مقابل امام (ع) ایستادند و نقض عهد کرده و از طاعتش بیرون شدند (سید رضی، ۱۳۷۸: ۱۱). ایشان دستور به جنگ با آنان را به دلیل کفر به آنچه که خدا نازل کرده با استناد به آیه ۷۸ سوره حج، دادند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲/۱۴۱۲: ۳/۱۱۱۷). این آیه که آخرین آیه سوره حج است؛ اشاره به مقوله جهاد دارد؛ بنابراین از منظر امام جنگ با نقض عهد کنندگان، در حکم جهاد است. چراکه مخالفان امام علی (ع) را در اصطلاح باغی یعنی متجاوز و ستمگر گویند (بندر ریگی، ۱۳۸۹: ۴۴). با اندکی تسامح می توان هر سه جنگ امام علی (ع) را در تقابل با اهل بغی دانست (مفتخری و گنجی، ۱۳۸۸: ۲). از منظر امام، ناکتین قریشیانی بودند که به دلیل نشناختن حق، برای جنگ با امام جمع شده‌اند؛ همانطور که علیه رسول خدا (ص) جمع شده بودند. ایشان با اشاره به این عبارت که «آنان حق مرا نمی‌شناسند و فضل مرا انکار می‌کنند. جنگ را علیه من آغاز کرده‌اند و در خاموش کردن نور خدا تلاش می‌کنند» جنگ با آنان را روا خواندند (دینوری، ۱۳۸۰: ۸۱). از جمله دلایل دیگری که امام جنگ با اصحاب جمل را روا می‌دانستند عبارت بودند از:

۱) کشتار مردم بصره و قصاص قاتلان که تعدادشان از جمعیت وارده بر بصره افزون‌تر بوده است (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۱۶۳) و علی القاعده استناد به آیات ۴۵ سوره مائده^۳ و ۳۳ سوره اسراء^۴ درباره قصاص ضروری است (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۱/۳۲۸).

۱. ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾

۲ اشاره به آیات ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه:

۳۲) ﴿وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. ﴿وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۴. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾

الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾

اواکوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر ... | ۲۷

(۲) خروج ام المؤمنین عایشه همسر پیامبر (ص) از خانه، که بنابر آیه ۳۳ سوره احزاب، حق خروج از خانه را نداشته است.^۱

(۳) نقض عهد با استناد به آیه ۱۰ سوره فتح^۲ (دینوری، ۱۳۸۰: ۹۸).

(۴) عدم اطاعت از امام که استناد به آیه اطاعت از اولی الامر (نساء: ۵۹) است (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۱۱).

به نظر می‌رسد، امام قصد دارند با استناد به آیه ۲۵۳ سوره بقره^۳ (طبرسی، بی‌تا: ۲/ ۲۰۷) و دلایل آشکاری که برای مخالفان می‌آورند؛ وقوع جنگ را تبیین نمایند. ترجمه آیه عبارتند از: «...اگر خدا می‌خواست پس از فرستادن پیامبران و معجزات آشکار، مردم با یکدیگر در مقام خصومت و قتال بر نمی‌آمدند، ولیکن آنان برخلاف و دشمنی با هم برخاستند، برخی ایمان آورده و بعضی کافر شدند و اگر خدا می‌خواست با هم بر سر جنگ نبودند، ولیکن خدا هرچه مشیتش قرار گیرد خواهد کرد». با توجه به تصویری که از این آیه و در آن بستر تاریخی در ذهن شکل می‌گیرد؛ اینکه به وجود آمدن جنگ جمل در اثر اختلافات بر سر قدرت و عدم شناخت حق امام علی(ع)، به عنوان اولی الامر است. درحالی که امام، مخالفان خود را در انتخاب راه آزاد گذاشتند؛ ولی آن‌ها از آزادی خود سوء استفاده کردند و راه اختلاف پیمودند و از فرمان امام سرباز زدند و در نتیجه جنگ جمل شکل گرفت. امام در ادامه با قاسطین و در رأس آنان معاویه جنگید؛ به دلیل اینکه معاویه و پیروان او حق خلافت و خونخواهی عثمان را نداشتند و از اجتماع مسلمانان جدا شده و طالب امری بودند که حقیقتش را نداشتند. امام با استناد به آیه ۵۹

۱. ﴿وَقُرْآنٌ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

۲. عایشه خود را خونخواه قاتلان عثمان می‌دانست و به آیه ۲۳ سوره آل عمران^۲ استناد و مردم را به حکم براساس کتاب خدا دعوت کرد (طبرسی، ۱۳۷۵: ۶/ ۲۳۷۵). اشاره به این آیه از قرآن که درباره کسانی است که اندک بهره‌ای از کتاب آسمانی دارد و آنان به کتاب خدا فراخوانده می‌شوند تا در میان آنها داوری کند، «سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی)، روی می‌گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند». این آیه هشدار می‌دهد که مسلمانان بود که مبادا شما هم مثل یهود به هنگام اجرای قانون قرآن، از دستور الهی رویگردان باشند و میان مردم تبعیض قائل شوند.

۳. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُورِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

۴. ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾

سوره نساء، اطاعت از اولوالامر را بر آنان واجب دانستند (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۹۱). به نظر می‌رسد، علی‌رغم استنادات امام علی (ع) به آیه اولوالامر در مواجهه با ناکثین و سپس مارقین، آن حضرت سعی نکرد حق فرماندهی خود را به مخالفانش تحمیل کند و در موقعیت‌های مختلف از حق اولی الامر کناره‌گیری کرده و تابع نظر جمع شدند. این امر در ماجرای «حکمیت» مشهود است. در نتیجه تبیین امام از ماجرای حکمیت، به مقوله اطاعت‌پذیری شامیان از فرماندهانشان و عاصی بودن عراقیان از خود بر می‌گردد (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۸) و به یاران خود فرمودند که اگر می‌خواهند پیروز گردند باید مطیعش باشند. ایشان مثل خود با عراقیان را همچون نوح (ع) با مردمانش دانستند و با استناد به آیات ۶ و ۷ سوره نوح عراقیان را اطاعت‌ناپذیر شمردند که نفرتشان بر اثر دعوت زیاد، افزون‌تر می‌شود. در ادامه عراقیان را با استناد به آیات ۲۲ سوره انفال^۳ و ۱۷۱ سوره بقره^۴ کران و لالانی دانستند که بدترین جنبندگان در نزد خداوند هستند و چیزی نمی‌فهمند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۷۲۸). امام علی (ع) همچنین با استناد به آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره بقره^۵ که اشاره به داستان انتخاب شدن طالوت به عنوان فرمانده و سرپیچی قوم یهود از طالوت دارد یارانشان را نافرمان از خود دانستند (طبرسی، بی‌تا: ۲/ ۲۱۷). در حالی که از منظر امام علی (ع) اطاعت از فرامین فرمانده بر تمام افراد و در تمام مراحل نبرد، واجب بود.^۶

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾
 ۲. ﴿فَلَمَّ يَرَوْهُمْ دُعَايَ إِلَّا فِرَارًا وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾
 ۳. ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾
 ۴. ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾
 ۵. ﴿لَمْ تَر إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ آلِهِمْ ائْتِنَا مَلَكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۲۴۶) وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (۲۴۷)

۶. به طوری که امام قبل از نبرد صفین به امرای خود نامه نوشتند و آنان را به جهاد و کمک به خود برای نبرد با شامیان امر نمودند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۱۱۰). همچنین در جنگ صفین (۳۷ق) علی‌رغم رشادت

اواکوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر ... | ۲۹

امام به پیامبرانی چون نوح و سپس فرماندهانی چون طالوت اشاره دارند که هر دو با قومی نافرمان روبرو هستند. در داستان طالوت، طالوت به عنوان فرمانده بنی اسرائیل برای پیکار انتخاب می‌گردد؛ اما بنی اسرائیل از وی اطاعت نمی‌کنند. در آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره بقره آمده است که: «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم». (پیامبر آن‌ها) گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟! اما هنگامی که دستور پیکار به آن‌ها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند و خداوند از ستمکاران، آگاه است و پیامبرشان به آن‌ها گفت: «خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است»، گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، مُلکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد) آگاه است». بنابراین امام با استناد به این آیات مثل خود را همچون طالوت می‌دانند که از وی اطاعت نمی‌کنند.

یکی دیگر از کارهایی که امام انجام دادند، شناسایی دشمن برای نیروهای خودی بود. احتمال دارد این امر در جهت فهم حیل‌های دشمن و خنثی سازی آن و در نهایت برای اطاعت‌پذیری آگاهانه از فرامین فرمانده در جنگ باشد. چراکه آگاه سازی مردم، از حقوق مردم بر حاکم، در اندیشه امام است. امام در توصیف شامیان، آنان را حزب شیطان، عاصیان و طاغیان، دشمنان اسلام و قرآن، فاسقان بدکار و ظالمان و کشتندگان مهاجر و انصار (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۵۰۴) و مفسدان و متابعان و اولیای شیطان دانستند (همان، ۷۱۰) و آنان را «تابع هوای نفس» دانسته که اگر بر عراقیان پیروز گردند، به حق که همان قرآن است عمل نکرده و حکم ظالمانه صادر خواهند کرد. امام علی(ع) در مقابل عراقیان را

های برخی از یارانشان، آنان را به اطاعت‌پذیری و دوری از خودسری امر نمودند. بطور مثال مبارزی از شامیان به میدان آمده و هم آورد خواست و فردی از یاران امام علی(ع)، بدون اجازه ایشان به میدان رفته و او را کشت. این امر، شادی و ناراحتی امام را برانگیخت. شادی به این دلیل که پیروز از میدان بازگشته و ناراحت از اینکه بدون اجازه به میدان رفته بود(ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۶۲۵-۶۲۷).

ترکیبی از فقها، اهل علم، حکیمان، نجیبان، دانایان، حاملان قرآن، نماز شب خوانان، متهجدان، قاریان قرآن و آباد کنندگان مساجد قلمداد نمودند و بر این عقیده بودند که اگر مردم از وی اطاعت کنند گمراه نخواهند شد. در حالی که امام با اشاره به آیه ۱۸۷ سوره آل عمران؛ شامیان را فاسقان و دوستان شیطان دانستند «کسانی که کتاب خدا را در قبال اندکی پول فروختند» (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶؛ ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

۲. جایگاه قرآن کریم در ایجاد انسجام مسلمانان

ضرورت حفظ وحدت و دوری از تفرقه که از عوامل مهم پیروزی است مورد توجه و نظر فرماندهان و مجاهدین بوده است. به طوری که ابوبکر در جریان فتوحات شام، با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح؛ یارانش را به مهربانی در میان خود و سرسختی با دشمنان فراخواند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۹). این آیه به طور غیر مستقیم به وحدت نیروها اشاره دارد که مسلمانان باید در برابر کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربان باشند. در دوره خلافت عمر، نبردهای داخلی به پایان رسید و دوره فتوحات گسترده آغاز گشت. بنابراین، وحدت نیروها عاملی مهم در فتح سرزمین های همجوار بود. عمر با استناد به آیه ۴۶ سوره انفال؛ علت زبونی و سستی را ستیز بین مجاهدان دانست (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۴۵). عثمان نیز همچون اسلاف خود، علت پیروزی در جهاد را اتفاق می دانست و با استناد به آیه ۱۵۹ سوره انعام؛ مردم را از تفرقه و پراکندگی بیم می داد و نافرمانی از فرامین خلیفه را مایه عذاب می دانست (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳/ ۶۱).

۱. ﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَ تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾
 ۲. ﴿مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾
 ۳. ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾
 ۴. ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾

اواکوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام؛ با تأکید بر ... | ۳۱

امام علی (ع) علت پیروزی شامیان بر عراقیان را اجتماع و اتحاد آنان و تفرقه و نفاق بین یاران ایشان دانستند (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۸) و با استناد به آیه ۴ سوره صف^۱ یاران ایشان را ترغیب نمودند که همچون یک تن واحد بجنگند (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۴۹۶).^۲

۳. جایگاه قرآن کریم در تحریض به نبرد با وعده پیروزی

ابوبکر و عمر، مردم را به جهاد تحریض می‌کردند. ابوبکر جهاد را از منظر قرآن واجب دانست و قرآن را تشویق کننده جهاد قلمداد کرد و با استناد به آیه ۴۱ سوره توبه^۳، جهاد را برای یارانش بهتر از هر کاری دانست (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۸). در توضیح این آیه باید گفت که آن درباره کسانی بود که از حرکت به سوی جنگ خودداری می‌نمودند؛ اما خدا عذرشان را نمی‌پذیرد و به هر حال باید حرکت کنند. محمد بن ابراهیم بن محمد بن یحیی با اسناد به انس [بن مالک] روایت می‌کند که وقتی ابو طلحه آیه مورد بحث را قرائت کرد، گفت: «خدا عذر احدی را نمی‌شنود و برای جهاد عازم شام شد و همان‌جا درگذشت» (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۱۳۰). همچنین ابوبکر در طی نامه‌ای که برای فرماندهان خود در شام نگاشت؛ آنان را با استناد به آیه ۲۴۹ سوره بقره^۴ به پیروزی گروه‌های کوچک بر گروه‌های عظیم، وعده داد (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۶۰). این امر بر گرفته از سیره پیامبر (ص) و با استناد از قرآن کریم بود. عمر نیز همین روش را دنبال می‌نمود. او بر انجام امر جهاد تأکید فراوان داشت و مسلمانان را وعده پیروزی بر ولایات فارس و روم داد و به جهاد در آن مناطق تشویق نمود (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۷۳) و آنان را از غفلت و کسالت در جهاد بر حذر داشت (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۹۴). عمر با استناد به آیه ۳۳

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَنٌ مَّرْصُومٌ﴾

۲. از سخنان امام در این زمینه است که می‌فرمایند: «من حمله خواهم کرد. شما جمله ده هزار نفر در موافقت من و موافقت یکدیگر چنانچه از هم جدا نشوید و حمله شما چون حمله یک مرد باشد حمله کنید» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۶۶۳)

۳. ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

۴. ﴿قَالَ الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ آلَهُ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

۵. مسلمانان در زمان پیامبر (ص) در غزوه بدر که در ماه رمضان سال دوم هجرت (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/ ۲) و غزوه خندق که در شوال سال پنجم هجرت (همان، ۱۵۲) رخ داد با تعداد سپاهیان کمتر نسبت به مشرکین جنگیدند؛ به همین دلیل هم، هر صد نفر از مسلمانان موظف شده بودند تا در مقابل دویست نفر از مشرکان بجنگند (زرگری نژاد، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

سوره توبه، پیروزی و غلبه بر همه آیین‌ها را امری محقق یافته پنداشت (همان، ۱۲۶). به طور نمونه او در هنگام مواجهه سپاه مسلمانان با لشکر روم به ابوعبیده جراح گفته بود: «از قلت عدد مسلمانان و کثرت لشکر کافران متوحش نباش که آن کس که خدای تعالی یار و معین او باشد او را غم نه» و با استناد به آیه ۴۵ سوره نساء خدا را برای یاری مسلمین کافی دانست (همان، ۱۲۶).^۳ همچنین مشورت امام علی (ع) به عمر در جنگ نهاوند (۲۱ ه.ق)، از قلت عدد مسلمانان در برابر تعداد کثیر دشمنان حکایت داشت (همان، ۲۳۲). پس از فتح نهاوند، عمر مسلمانان را برای ادامه نبرد در منطقه ری تشویق نمود و همچنان به ایشان نوید پیروزی داد (همان، ۲۵۲) و با استناد به آیه ۳۳ سوره توبه، یادآور گردید که پیروزی اسلام بر تمام ادیان از وعده‌های الهی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است (طبری، ۱۳۷۵: ۵/۲۰۰۵). عثمان، علت زوال سلطنت عجمان را نافرمانی از فرامین خدا و ترجیح دادن دنیا به آخرت، فساد و کفر نعمت دانست که به همین دلایل بود که اعراب بر آنان پیروز گردیدند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۱۷) و مبتنی بر همین تجارب، مسلمانان را با امید به دستیابی قطعی به پیروزی در نبرد شمال آفریقا، فرمان داد (همان، ۳۰۶).

امام علی (ع) نیز با استناد به آیه ۳۳ سوره توبه و سخنان پیامبر (ص) مبنی بر پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان، به یاران خود نوید پیروزی دادند (همان، ۵۵). ایشان در آستانه جنگ صفین و در هنگام عبور از کنار کاخ‌های کسری در مدائن، با استناد به آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره دخان؛ یادآور نعمت‌هایی شدند که اقوام پیشین (ایرانیان) برای قوم بعدی (اعراب) گذاشتند. امام وعده خداوند درباره پیروزی را برحق دانستند و شکر را باعث مزید نعمت و کفرانش را علت بلا و عقوبت دانستند (همان، ۵۰۹). سعد بن ابی وقاص

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

۲. «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَبِئَاءَ وَكْفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا»

۳. هرقل (۶۴۱-۶۱۰م) امپراتور روم شرقی در مورد جنگجویان عرب مسلمان چنین تصویری داشت. از او نقل شده است که گفت: «مرا از حال این اعراب خبر دهید. آخر ایشان هم نه آدمیند مانند شما و نه عدد شما زیاده است از عدد ایشان؟» (ابن اعثم ۱۳۷۲: ۱۱۹).

۴. «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (۲۵) وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶) وَ نَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ (۲۷) كَذَٰلِكَ وَ أَوْزَنَّاها قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸) فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنظَرِينَ (۲۹) وَ لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ» (۳۰)

۴. جایگاه قرآن کریم در توصیه به صبر و استقامت در نبرد

نیز پس از تسخیر مداین و هنگامی که وارد مداین شد این آیات (۳۰-۲۵ سوره دخان) را خواند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۱۸/۵).

در قرآن مؤمنان به طور اخص و مسلمانان به طور اعم، به پایداری و استقامت در برابر دشمن توصیه شده‌اند. همانطور که اشاره شد، ابوبکر با استناد به آیه ۲۴۹ سوره بقره، نیروهای خود را در شام به صبر و استقامت در مقابل دشمن توصیه کرد (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۶۰) و با استناد به این آیه، خداوند را با صابران دانست. گاهی پیش می‌آمد که نیروهای مسلمانان توان مقابله و صبر و استقامت در برابر رقیبان را نداشتند و از میدان می‌گریختند. در زمان عمر و در جنگ پل (۱۳ ه.ق) که به شکست اعراب از ایرانیان انجامید، عمر به این امر اشاره و با استناد به آیه ۱۵ و ۱۶ سوره انفال، فراریان از نبرد را بخشیده و می‌گوید: «من «گروه» هر فرد مسلمانم، خدا، ابوعبید را بیمارزاد اگر عبور کرده بود و به «خیف» پناه برده بود یا سوی ما آمده بود و جنگ نکرده بود ما «گروه» وی بودیم» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۶۰۱/۴). وی در نبرد نهاوند (۲۱ ه.ق)، با استناد به آیه ۱۰ سوره زمر، مسلمانان را با صبر و پایداری به پیروزی امیدوار کرد (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۲۳۶).

امام علی (ع)، صبر و استقامت در نبرد را با استناد به آیات ۹۶ سوره نحل، ۱۵۳ سوره بقره، ۸۷ سوره اعراف، تبیین و یاران خود را به صبر و پایداری در نبرد دعوت نمودند (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۱۸۶؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۶۶۰)، از سخنان ایشان است درباره صبر که می‌فرمایند: «از جمله کارها، هیچ کار بهتر از صبر نیست، علی الخصوص در موقف مبارزت و محاربت» (سید رضی، ۱۳۷۸: ۶۶۲) و معتقد بودند که پس از صبر،

۱. ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال: ۴۵)

۲. ﴿وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

۳. ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأُدْبَارَ (۱۵) وَمَنْ يُؤَلِّمْ يَوْمئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مِتَحَبِّرًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (۱۶)

۴. ﴿إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

۵. ﴿وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

۶. ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

۷. ﴿وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾

نصرت حاصل می‌شود (طبری، ۱۳۷۵: ۶/ ۲۵۳۰). امام علی (ع) بر این عقیده بودند که حق دست یافتنی نیست مگر با صبر و جدیت (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۷) و با استناد به آیه ۱۶ سوره احزاب، افراد خود را از فرار برحذر می‌داشتند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۵۴۴).

نتیجه‌گیری

اسلام تحولات بنیادینی را در جامعه بدوی اعراب ایجاد نمود که از جمله آن، تحولات حیطة نظامی بود. اگر اعراب تا قبل از اسلام برای غارت می‌جنگیدند؛ پس از اسلام به رویکردی جدید تغییر روش دادند و انگیزه‌های مذهبی عاملی مهم و حتی مهم‌ترین عامل در پیروزی اعراب مسلمان شد. قرآن تا دوره‌ی مورد بررسی، حضور پررنگی در اقوال و پایه اعمال رهبران اسلامی به طور اخص و مسلمانان به طور اعم داشته است. آنان در امور مختلف برای توجیه و سپس فرامین خود و انجام کاری به قرآن استناد می‌نمودند و کوشش داشتند به اعمال و اقوال خود، صبغه قرآنی ببخشند. رهبران جامعه اسلامی و فرماندهان نظامی و حتی مجاهدین در مقاطع گوناگون نبرد برای تحریض و تشویق به جنگ و تحمل سختی‌های آن و تقویت روحیه مقاومت و بردباری و لزوم حفظ وحدت و دوری از تفرقه و اطاعت از دستورات فرماندهان و امیران، مسلمانان را به آیات قرآن کریم، تذکر و ارجاع می‌دادند. به نظر می‌رسد همین رویکرد، مهم‌ترین عامل در پیروزی اعراب مسلمان صدر اسلام بود. قرآن مسلمانان را به این امر رهنمود می‌نماید که: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَبْتَفَشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶)، «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود. صبر پیشه بگیرید که خدا همراه صابران است». قرآن تنها با این آیه، روحیه اطاعت‌پذیری، وحدت‌آفرینی و صبر و استقامت را توصیه می‌نماید. بنابراین توجه به مسأله رهبری و اطاعت از دستور رهبر نظامی، لزوم انسجام داخلی در بین نیروها و ایجاد وحدت و توصیه به صبر و استقامت و در نهایت تحریض به نبرد، از مهم‌ترین عوامل پیروزی در جنگ بوده است.

۱. ﴿قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب: ۱۶).

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن اعثم کوفی (۱۳۷۲). الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۳). العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد کاتب واقدی (۱۳۷۴). طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن شبه، ابو زید عمر بن شبه النمیری البصری (۱۳۶۸). تاریخ المدینه المنوره، قم: دار الفکر.
- ابن عبد البر، ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد (۱۹۹۲/۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفه الأصباح، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن کثیر الدمشقی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶/۱۴۰۷). البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر.
- احمدی، مسلم (۱۳۹۰). «راهبردها و تفکرات جنگی ایرانیان در شاهنامه». فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۴۲، سال یازدهم، صص: ۱۴۸-۱۸۰.
- اصفهانی، ابو الفرج علی بن الحسین (۱۳۳۹). فرزندان ابو طالب، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بندر ریگی، محمد (۱۳۸۹). منجد الطلاب، قم: انتشارات اسلامی.
- تنوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان (۱۳۸۲). تاریخ الفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳). الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیز الله عطاردی، انتشارات عطارد.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲). تاریخ سیاسی اسلام (۲) تاریخ خلفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دلیل ما.
- چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۸۹). ستیز و سازش، ترجمه نادر میرسعیدی، چاپ پنجم، تهران: نشر ققنوس.
- حاجی بابایی، مجید (۱۳۹۱). «رویکردی تاریخی به تحول مفهوم خلافت در عصر خلفای سه گانه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره هشتم، صص: ۷-۲۷.

۳۶ | مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۵ |

- حتی، فیلیپ (۱۳۴۴). تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتاب فروشی حاج محمد باقر کتابچی حقیقت.
- حق شناس، علی محمد؛ سامعی، حسین؛ انتخابی، نرگس (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر هزاره (انگلیس به فارسی) یک جلدی، تهران: فرهنگ معاصر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، چاپ چهارم، تهران: خیام.
- دینوری، ابو حنیفه (۱۳۷۱). اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- دینوری، ابن قتیبه (۱۳۸۰). امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- ذکاوئی قراگزلو، علیرضا (۱۳۸۳). اسباب النزول، تهران: نشر نی.
- زرگری نژاد، غلام حسین (۱۳۸۵). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، چاپ چهارم، تهران: نشر سمت.
- سید رضی (۱۳۷۸). نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبرسی، (بی تا). احتجاج، ترجمه نظام الدین احمد غفاری مازندرانی، تهران: مرتضوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه: ابو القاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- عباسی، علی؛ جعفری، رضا (۱۳۹۰). «تبیین وجوه راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی». فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۴۲، سال یازدهم، صص: ۱۱-۴۱.
- مزاحم منقری، نصر (۱۳۷۰). پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- مسکویه، ابو علی الرازی (۱۳۷۶). تجارب الأمم، جلد یکم: مترجم ابو القاسم امامی، تهران: سروش، ۱۳۶۹. جلد ۵ و ۶: علی نقی منزوی، تهران: توس.
- مفتخری، حسین؛ باقریزاد گنجی، نبی الله (۱۳۸۸). «بازشناسی جنگ‌ها امیرالمومنین علی (ع) از دیدگاه فرقه‌های کلامی»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۴، زمستان، شماره مسلسل ۴۰.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۹۹۰/۱۴۱۰). الردة مع نبذة من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثة الشیبانی، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.